

## آریانا نام باستانی کشور ماست

### نه نام ساختگی از طرف استاد کهزاد

در شماره های ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲ و ۷۲۳ (هنوز هم ادامه دارد) هفته نامه وزین امید مصاحبه آقای محترم آصف آهنگ را با علاقمندی فراوان مطالعه نمودم که قسمت های زیاد آن جالب و خواندنی بود ولی در چند قسمت این مصاحبه دو نکته بسیار مهم بصورت نادرست و نامناسب مطرح شده بود که آنها عبارت اند از گویا جعل بودن نام باستانی آریانا و اتهامات نادرست به شخصیت مورخ بزرگ وطن شادروان استاد احمد علی کهزاد میباشند. نام باستانی آریانا از طرف ایشان با اطمینان کامل ولی بدون کدام سند معتبر و دلیل علمی رد شده بود و آنرا ساخته و پرداخته مرحوم سردار محمد نعیم خان دانسته و استاد احمد علی کهزاد را متهم به تقلب در ساختن تاریخ فرمایشی (!؟) نموده بود. همچنان از زبان کهزاد بزرگ نقل قول نادرستی را ذکر نموده بودند که اینک با اجازه جناب ایشان و هفته نامه امید خواستم این تبصره را بنویسم.

در آغاز مصاحبه محترم آقای کوشان مدیر مسئول هفته نامه امید آقای آصف آهنگ را منحیث يك نفر نویسنده، **مورخ، سیاستمدار و ادیب نامور** کشور معرفی میکند.

من جناب ایشان را منحیث يك شخصیت فعال سیاسی میشناسم ولی در مورد فعالیت های دیگر علمی شان مخصوصاً در ساحه تاریخ باستان اطلاعی ندارم و ضمناً هیچگاهی در طول عمر ۵۲ ساله ام با ایشان معرفی نشده و آشنائی ندارم.

قبل از همه در رد اتهام جناب آصف آهنگ در مورد شادروان استاد احمد علی کهزاد میپردازم و بعد داخل بحث در مورد نام باستانی آریانا میگردم. جناب ایشان در مصاحبه خویش که در شماره ۷۲۲ هفته نامه امید نشر شده است، گفته اند: **“... و آقای کهزاد مرحوم، که از خویشان من بودند، خودش میگفت که سردار نعیم بمن میگفت اینطور بنویس...”** یعنی آریانا بنویس و آریانا پروپاگند کن !!!؟؟

گویا استاد کهزاد فال بین بود و هر که هر چیز میخواست وی برایش سند تاریخی ترتیب نموده و آنرا به کرسی مینشاند. نقل قول بالا که از طرف جناب آقای آهنگ در مورد کهزاد بزرگ ذکر شده است به هیچ صورت دقیق نمی باشد و فهمیده نمیشود که چه وقت، در کجا و به چه مناسبت وی چنین چیزی را ذکر نموده است. من بر عکس چند بار ضد این گفته را از زبان استاد کهزاد شنیده ام که میگفتند مقامات دولتی میخواهند که من مطابق خواسته آنها تاریخ بنویسم در حالیکه من چطور می توانم حقایق علمی تاریخی را تغییر بدهم. پس چطور امکان دارد که استاد کهزاد در نزد دگران اینطور و برای جناب آهنگ آنطور گفته باشد. بدینصورت ادعا و نقل قول جناب آقای آهنگ کاملاً مغایر با طرز تفکر و ذهنیت کهزاد بزرگ میباشد.

چند سطر پایتر جناب محترم آهنگ میگویند: **“تاریخ استبداد در وقت استبداد نوشته نمی شود، تاریخی که زیر**

نظر حاکم مستبد نوشته میشود، معلومدار ناقص و بعضاً موهوم است، اینها را باید در نظر داشت.» بلی کاملاً درست اما فراموش نموده اند که استاد کهزاد حتی يك سطر هم در مورد عصر خودش نوشته نکرده است. بلی دلیلی که استاد کهزاد در مورد دوره و عصر خودش نوشته در پهلوی اینکه وی علاقه خاص به تاریخ باستان داشت همچنان میدانست که اگر راست بنویسد نشر نمیشود و مشکل آفرین است اگر کج بنویسد نزد خداوند و بندگانش مقصر و گنهکار. به گفته جناب آهنگ باید در مورد تاریخ پنج هزار ساله هم چیزی ننویشت. واقعاً که بسیار جالب است. اینست سپاسگذاری از خدمات يك شخصیت ملی که تمام عمر خود را صرف روشن نمودن زوایای تاریک تاریخ وطن نموده است. قابل یاد آوریست که آثاریکه از طرف انجمن تاریخ نشر میشد از طرف يك کمیسیون علمی مرور شده برای نشر آن نظر میدادند. در آن زمان که تاریخ آریانا نوشته شده دانشمندانی چون استاد گویا، استاد غبار، استاد جویا، استاد خلیلی و دیگر اعضای دایمی و افتخاری انجمن تاریخ نظر داده اند که امضاهای شان در بعضی نوشته هایکه در (بنیاد فرهنگی کهزاد) موجود است، دیده میشود. زمانیکه مصاحبه کننده محترم از جناب آهنگ در مورد ذکر نام آریانا از طرف مرحومان غبار و فرهنگ سوال میکنند، جناب شان سوال را به شکل دیگری جواب میدهند. در حالیکه شادروان غبار خواننده کتاب خود (افغانستان در مسیر تاریخ) را در مورد معلومات بیشتر در باره نام آریانا به رساله آریانا اثر مورخ دانشمند کهزاد راجع میسازد. جا داشت اگر جناب آقای آهنگ در مورد نام یا کلمه آریانا به آثار بیشمار استاد کهزاد هم مراجعه میکرد و قسمت را بصورت علمی رد میکرد زیرا آثار هیچ مورخ و دانشمندی در این مورد در افغانستان معتبرتر، بیشتر و بیشتر از آثار استاد کهزاد نمیباشد و معمولاً در تحقیقات جدی و مهم در این موارد به آثار استاد کهزاد استناد و مراجعه میگردد.

اگر استاد کهزاد مطابق فرمایش جناب سردار محمد نعیم خان تاریخ مینوشت حالا من سوال میکنم که پس چه پاداشی در مقابل آن دریافت کرد؟ آقای آصف آهنگ باید به بسیار خوبی بداند که استاد کهزاد هیچگاهی به کدام مقام مهم سیاسی چون وزارت، سفارت، معینیت و یا ولایت نرسید. (خودش قطعاً به این مقام ها علاقه نداشت) اگر چنان يك شخصیت میبود حتماً به مدارج بلند سیاسی میرسید، يك عده ئی زیاد دیگر همکارانش که حتی تربیت یافته دست او بودند به مقام های بلند سیاسی رسیدند. در حالیکه لیاقت و اهلیت اش به هیچ وجه کمتر از هیچ وزیر کابینه های افغانستان نبود. باید ذکر گردد که قبل از همه وی را در اوایل سلطنت ظاهرشاه با زنجیر و ذولانه برای مدت نه ماه در توقیف خانه ولایت کابل حبس نمودند که تا امروز کسی گناه اش را هم نگفت. اما این شخصیت بزرگ ملی حتی در زندان هم به نوشتن تاریخ وطن دور از چشم پاسداران ادامه داد که نسخه آن هنوز هم در (بنیاد فرهنگی کهزاد) منحصراً يك سند دوره اختناق موجود است. مگر جناب مرحوم سردار محمد نعیم خان در کجا بود که برایش مطالب دلخواه تاریخی و فاشیستی سفارش میداد و یا وی را از زندان رها میساخت؟ در دهه ۱۳۳۰ زمانیکه شادروان استاد غبار و شادروان استاد سرور جویا را محبوس نمودند وی با آقای علی احمد نعیمی و یکی از شخصیت های دیگر که اسم ایشان به خاطر من نیست، نزد سردار شاه محمود خان صدراعظم رفتند تا آنها را آزاد سازند زیرا حکومت خود دیموکراسی را اعلام نموده بود، اما با ایشان چنان

وضعیت منفی شده بود که من حتی از نوشتن آن در اینجا شرم و عار دارم.

په اجازه خوانندگان محترم باز هم سوال میکنم که اگر نام آریانا بدون کدام سند علمی و ساخته و پرداخته استاد کهزاد است پس نام های ایالات شانزده گانه آریانا چون گندهارا (کابل و سمت مشرقی)، باکترا (باختر یا صفحات شمال)، اراکوزیا (قندهار و اطراف آن)، هریوا (هرات و نواحی آن)، بامیکا (بامیان و مضافات آن)، پکتیکا (سمت جنوب وطن)، جدروزیا (بلوچستان)، سغدیان (سغد تاجکستان) و غیره را استاد کهزاد از کجا پیدا نموده و چطور ایجاد کرده است؟ فکر نمیکنم که این نام ها ساختگی باشد و یا کسی بتواند آنها را اختراع کند و یا يك مورخ دانشمند آنقدر بیفکر باشد که اینقدر به جعلیات دست بزند. من بارها از زبان اقوام مختلف وطن شنیده ام که استاد کهزاد در آثار خود هیچ نوع تعصب، تبعیض و بی حرمتی قلم را بکار نبرده است و در همه امور دارای صفای اخلاقی، صداقت و دینداری بوده است و در تحلیل مسایل مفکوره شخصی خود را دخیل نساخته است بلکه علم و دانش را چراغ راه خود قرار داده است مگر اینکه دچار اشتباه علمی شده باشد. فراموش نکنیم که خودش بارها مورد تبعیض و تعصب قرار گرفته است. کاش این انتقادات خود را جناب آقای آهنگ در زمان حیات استاد کهزاد بصورت رسمی یا خصوصی مطرح مینمود تا جواب قناعت بخشتر میگرفت. اینکه ۲۳ سال بعد از وفات آن مرحوم مطرح کرده اند هم جالب است. بهر حال اگر استاد کهزاد در بین ما نیست آثار شان زنده و جاوید است و بخوبی میتواند از کارهای علمی شان دفاع نماید. اگر تحقیقات استاد کهزاد کهنه شده باشد هم جای تعجب نیست زیرا در جهان علم و دانش هر روز تحقیقات جدید و نتایج جدید به میان میآید به شرطیکه رد نمودن يك مسئله علمی با تحقیقات علمی باشد نه با مصاحبه های عامیانه که هر کس درد دل و راز دل میکند.

موضوع بعدی نام باستانی و تاریخی آریانا است که آقای محترم آصف آهنگ آنرا بدون هیچ نوع دلیل و یا سند معتبر به بسیار شدت رد نموده است و حتی حس میشود که جناب شان عصبانیت نیز نشان داده اند زیرا در چند جا بعد از ذکر اشعار شعرای نامدار مکرر ذکر کرده اند که آیا آنها دروغ میگویند! آیا فردوسی و فرخی دروغ میگویند! نخیر شعرای بزرگ ما هیچ کدام دروغ نگفته اند و دروغ نمیگویند اما مشکل در اینجا است که جناب آقای آهنگ از شعرای دوره ئی که وطن ما بنام خراسان یاد میشد و هیچ کدام آن بیشتر از هزار سال قدمت ندارد در مورد رد نام آریانا سند میتراشند. درست است که در دوره های کمی پیشتر از خراسان کلمه آریاورته و آریانا به ایران تبدیل شده و تحول نموده بود اما وقتی از آریانا صحبت میشود، تاریخ آن به پنج هزار سال پیش میرسد و آن زمان نیست که استاد کهزاد با مطالعات باستان شناسی و تاریخی روشن نموده که یونانی ها وطن ما را که به مراتب بزرگتر از امروز بود بنام آریانا یاد میکردند و بومی ها پیشتر از آن آنرا آریاورته میگفتند. استاد کهزاد هم از اشعار خداوندان سخن که در طی هزار سال در مورد نام کشور ما با مناطق همجوار آن اطلاع داشت و از آنها در روشن شدن تاریخ کشور استفاده نموده چنانچه کتابهای (لشکرگاه) و (افغانستان در شاهنامه) و چند اثر دیگرش مویذ این ادعا میباشد که به کمال صداقت اظهار نموده است که ایران نام باستانی ای است که قسمت ها بیشتر آن

در خاك افغانستان امروزی قرار دارد اما در مورد نام آریا ورته و آریانا مواخذ وی آثار هزار سال گذشته نمیباشد بلکه آثار چند هزار سال قبل مورد مطالعه قرار گرفته است. این آثار و اسناد چند هزار سال قبل عبارت از سرودهای ویدی، سرودهای مهابراتا، کتاب اوستا و آثار مورخین، جغرافیانگاران و نویسندگان یونانی میباشند. پس هر کسی که میخواهد یا بخواهد که نام آریانا و آریاورته و دیگر نامهای آریائی را که در مورد کوهها و رودخانه ها و جاها ذکر شده است رد کند باید اسنادش پیشترتر و معتبرتر از مواخذ ذکر شده بالا باشد در غیر آن په کدام منطق قبول شود؟ اشخاصیکه به آثار استاد کهزاد اعتبار نمی دهند میتوانند کتاب (آریانا انتیکوا اثر ولسن) انگلیسی را که در قرن نوزده نوشته شده و در این سالهای پسین تجدید چاپ شده است به زبان انگلیسی مطالعه نمایند.

کهزاد بزرگ در رساله آریانا چنین مینگارد: "این اثر کوچک که بنام (آریانا) بنظر خواننده گرامی میرسد، تفصیل مقاله ایست که چند سال پیش در باب قدیمترین نام تاریخی کشور نوشته و در شماره ۹۸ (۲۷ حوت ۱۳۲۰) مجله کابل نشر شده است. موضوعات این اثر عبارت اند از مسکن آریاها در اوستا، ریشه آریا در يك عدہ نامها، آریانا و نویسندگان اروپایی، شهرهای آریانا ۰۰۰ و غیره."

سوال در اینجاست که استاد کهزاد چطور دفعتاً با سفارش یکنفر بتواند يك جعل بزرگ تاریخی ترتیب داده و در اطراف آن پروپاگند کند؟ و برای چه؟ به گفته آقای آصف آهنگ بخاطر فاشیزم. بدینترتیب استاد کهزاد را که ذره ئی از تعصبات قومی، زبانی و مذهبی در وجودش جا نداشت بصورت غیر مستقیم منحیث یکنفر فعال فاشیست معرفی میکند. بيمورد نخواهد بود اگر قسمتی از مقدمه کتاب (تاریخ افغانستان جلد اول اثر کهزاد) اقتباس گردد: "ما خود میدانیم و بیگانگانی که پیش از ما کم و بیش در اطراف سابقه و موجودیت تاریخی افغانستان متوجه شده اند، خوب ملتفت هستند که این مملکت در عصر حاضر و قرون جدید به نام (افغانستان)، در دوره اسلامی قرون وسطی به اسم (خراسان) و در ازمنه قدیم باستانی به نام (آریانا) یاد میشود. مورخین افغانی به احترام نوامیس تاریخی و طبقه بندی تاریخ کشور خود در دوره های متقابل این نام ها را استعمال کرده و میکنند و غیر از آن چاره ئی متصور نیست. پس اگر در فصول اولیه تاریخ مملکت ما اسمای (آریا) و (آریانا) می آید از آن قطعاً نباید به فکر تیوری های نژادی (راسیزم) افتاد، زیرا در نظر ما و در تاریخ مملکت ما این کلمات از خود مفهوم جداگانه تاریخی دارند و این مفهوم واقعی طوری در نام مملکت و در اسمای رودخانه ها، علاقه ها و برخی قبایل ما حل و مزج است که جز موجودیت تاریخی ما و کشور ما شده و تغییر آن جعل حوادث تاریخی است."

خواننده عزیز خود متوجه خواهد شد که استاد کهزاد خواننده کتاب را در مقدمه کتاب (در سال ۱۳۲۵) متوجه مسایل تبعیض نژادی و جعل حوادث تاریخی میسازد و اینک بیشتر از نیم قرن بعد جناب آقای آصف آهنگ وی را متهم به فاشیزم و جعل اسناد تاریخی میکند.

حقیقت اینجاست که استاد کهزاد با مطالعه و تحقیق اول در آثار اروپایی این نام بزرگ را کشف و برای هموطنان

خود معرفی میکند و بعد دامنه تحقیق و تتبع را به آثار بومی وطن ما ادامه داده و نامهای آریانا و آریائی را در سرودهای (ویدی) و (اوستا) به ثبوت میرساند، و نه به فرمایش این و یا آن شخصیت و مقام سیاسی بلکه به اساس تحقیقات تاریخ و باستان شناسی!

بدین ترتیب با مراجعه به آثار شادروان استاد احمد علی کهزاد که در عین زمان وی در سال ۱۳۲۰ نام باستانی آریانا را دوباره زنده نمود و بر سر زبانها انداخت، مراجعه نموده و اینک نتیجه آنرا خدمت خوانندگان عزیز تقدیم میدارم تا باز هم نام باستانی وطن ما بصورت نادرست و نامناسب غلط تلقی نشود و معلومات نادرست در بین ما پخش نگردد. در نام آریانا به هیچ صورت قسمیکه در آن مصاحبه قلمداد شده است مسایل فاشیستی مطرح نبوده و نباید با استعمال کلمه (آرین) از طرف نازی های فاشیست در آلمان ما هر نادرستی دیگران را بطرف خود جذب کنیم. اینکه در مورد قدرتمندان افغانستان تبصره نموده اند با آن کاری ندارم ولی بخوبی آگاهم که آنها با استعمال نام باستانی آریانا علاقه نداشتند. باید متوجه بود که قومگرایی را نباید با نام زیبای آریانا مخلوط نمود و مردم بی خبر و بی مطالعه ما را با اینگونه تذکرات مشکوک ساخت. در مصاحبه آمده است: " کلمه آریانا را در کتب قدیم ببینید که کدام جائی آمده، یعنی از وقت یعقوب لیث تا جنگ اول جهانی شما يك بار کلمه آریانا را در کتب نمی بینید... "

نام آریانا در زمان یعقوب لیث صفاری نام وطن ما نبوده بلکه قبل از آنکه این خطه بنام خراسان مشهور و نامیده شود به یکی از صورت های (آریا ورته)، (آریانا) یا (ایران زمین) یاد شده. ما نباید توقع داشته باشیم یا مورد پرسش قرار دهیم که چرا در زمان یعقوب لیث این نام بکار نرفته بلکه باید بدانیم که قبل از نام خراسان برای بیشتر از پنجهزار سال یکی از صورت های این نام، نام سرزمین ما به معنی خیلی بزرگتر از حدود جغرافیائی امروزی آن اطلاق میشده در حالیکه نام شکوهمند خراسان کمتر از هزار سال در ساحه جغرافیائی خوردتر مروج بوده. اینرا هم نباید بپرسیم که چرا در کتابهای دوره خراسان این نام بکار نرفته زیرا قسمیکه پیشتر تذکر داده شد در این دوره نام سرزمین ما خراسان بوده و نویسندگان ضرورتی به استعمال نام باستانی آن نداشتند چنانچه امروز هم هر چیزیکه در مورد وطن ما نوشته میشود بنام افغانستان نوشته میشود نه بنام خراسان یا آریانا و منطقاً هم باید همینطور باشد.

حالا میخواهم به کتب قدیم مراجعه نموده و نام تاریخی آریانا را خدمت خوانندگان عزیز نشان دهم. احمد علی کهزاد در کتاب "افغانستان در شاهنامه" (۱) در فصل (آریانا انتیکوا) چنین مینگارد: " بنده ۳۴ سال قبل کتاب کوچکی به نام (آریانا) نوشتم و در آن راجع به دو کتله قدیم (آریا) و (داسیو) یعنی سفید پوستان و سیه پوستان، (آریا ورته) و (آریا ورشه) یعنی مسکن مردم آریائی به اساس سرود ویدی، (آریانم ویجو) یا سرزمین اولیه آریائی از نظر اوستا، جغرافیه قدیم اوستا و ۱۶ قطعه خاک مبارک (وندیداد) شرحی نوشتم، همچنان راجع به نویسندگان کلاسیک یونانی (اراتستنس)، (استرابو)، (بطلیموس)، (آرین)، (پلینی) و (کورتیوس) بحثی نگاشته متذکر شدم که (اراتستنس) بار اول نام قدیم مملکت ما (آریانا) را در حوالی وسط قرن سوم ق م ذکر کرده و

(استرابو) جغرافیه نگار و مورخ یونانی (۶۰ ق م = ۱۹ ب م) به اساس گفتار (اراتستنس) حدود و ثغور ولایات و باشندگان و برخی شهرهای آریانا را به قید تحریر در آورد. بعد از تشریحات بیشتر از کارهای دانشمندان اروپائی چون ویلسن، بیلو و فوشه در قرون اخیر ذکر میکند که آنها از نام باستانی آریانا اطلاع داشتند و در آثار خود آنرا استعمال نموده اند چنانچه ویلسن کتاب مهمی بنام (آریانا انتیکوا) دارد و موسیو فوشه باختر را (مروارید آریانا) یاد کرده است. از همین اثر باز هم اقتباس میگردد که: "بیلو در کتاب (نژاد های افغانستان) در مورد کشور ما میگوید: بهتر است اول نگاهی به اوضاع جغرافیائی قدیم کشوری بیانداریم که نزد پارسی ها به اسم (آریا ورته)، نزد یونانی ها به اسم (آریانا) و بعدها به اسم (خراسان) معروف بوده و در این تازه گی ها بنام (افغانستان) شهرت یافته است." در آخر این فصل آمده است که: "در شاهنامه و سایر ماخذ قدیم هر جا که کلمه (ایران) بکار رفته، مراد از آن سرزمین آریانا است. مراکز قدرت در آریانا و کانون های فرهنگی آن و اماکنی که نهضت های بزرگ ملی و اجتماعی در آنها جاگرفته تقریباً همه در خاک افغانستان بوده است. چون کلمه ایران در قدیم مرادف با کلمه آریانا بود بهمین سبب است که بزرگان شعر و ادب، فرمانروایان بزرگ کشور ما را شاهنشاه ایران نامیده اند. فردوسی و فرخی به سلطان بزرگ خراسان، محمود غزنوی (شاه ایران)، (ایران شاه) و (شاهنشاه ایران) خطاب کرده اند.

کلمه ایران در این سالهای اخیر متاسفانه معنی اختصاصی گرفت و تسمیه بی از نوع کل بر جز صورت بست، ولی بهرحال آنچه مسلم است اینست که سرزمین افتخار پرور آریانا که نام متداول تر از آن در آثار اسلامی همان اسم (خراسان) است، کشور است که خاک افغانستان امروزی از آن نمایندگی میکند.

احمد علی کهزاد در اثر دیگر و مهمتر خود "تاریخ افغانستان جلد اول" ص ۳۳ در مورد کلمه آریا مینگارد: "به اصطلاح عام اروپائی (آریا) به معنی جامع دسته بی از اقوامی را در بر میگیرد که زبان آنها به هم قرابت دارد و تمام اروپا و حصه بی از آسیای قریب را اشغال کرده اند. این معنی کاملاً اصطلاحی است و ثبوت و مورد استعمال تاریخی ندارد." یعنی بدین معنی که استعمال کلمه (آریا) از طرف اروپائی ها با استعمال کلمه (آریانا) و (آریائی) از طرف ما کاملاً فرق دارد. اروپائی ها کلمه آریا را به مناسبت تشابه زبانی استعمال میکنند و کدام سند تاریخی ندارند. در حالیکه استعمال کلمه (آریا، آریائی و آریانا) در کشور ما به شاخه باختری اقوام هندواروپائی اطلاق میگردد که اسناد مهم آن سرودهای ویدی و کتاب اوستا میباشد. کتاب تاریخ افغانستان مملو از معلومات علمی در مورد تاریخ وطن ما از زمانه های قبل از تاریخ تا شروع دین مقدس اسلام میباشد که در تمام آن دوره که مدت بیشتر از پنجهزار سال را در بر میگیرد نام این کشور و خاکهای مجاور آن بیه یکی از صورت های نام آریانا (آریا ورته، آریا ورشه، آریانا، ایران زمین) یاد میشود. و تخمگاه آریائی های باختری را (آریاووچو) مینامیدند که همه در سرودهای ویدی و اوستا ذکر است. در همین کتاب همچنین آمده است که آریائی هائیکه رودخانه سندھو (سند) را عبور نموده و بطرف سرزمینهای سواحل چپ آن رحل اقامت گزیدند، نام آن سرزمین را (بهاراتا ورته) هموزن نام وطن خود شان (آریا ورته) گذاشتند که معنی آن (سرزمین یا مسکن بهاراتاها) میباشد.

سرزمین پهناور هندوستان قبل از مهاجرت آریائی ها در حدود چهار هزار سال قبل کدام نام ملی نداشت ولی بهارات نامی که آریائی های مهاجر آریانا به آن دادند هنوز هم منحیث نام ملی هند استعمال میشود.

قابل یادآوریست که جناب آقای آهنگ همچنان به تکرار گفته اند که این فاشیستها بودند که بعد از جنگ جهانی نام آریانا را تبلیغ مینمودند. در صورتیکه اگر آنها به این اندازه به نام آریانا علاقمند بودند پس چرا نام افغانستان را به آریانا تبدیل نکردند؟ این خود عدم علاقه آنها را به این نام نشان میدهد. از طرف دیگر هموطنان پشتون ما هم به نام آریانا علاقه ندارند چنانچه اگر کتاب (د افغانستان ملی تاریخ اثر آقای قدرت الله حداد) را مطالعه نمائید در صفحات اول آن سوال شده است که: **حوک وایی چه د افغانستان پخوانی نوم آریانا یا خراسان وه؟ کی** میگوید که نام باستانی افغانستان آریانا یا خراسان بود؟ یعنی پشتونها این نامها را قبول ندارند. بهرحال قبول نمودن و یا قبول نمودن این نام امروز چیز دگریست مگر حقایق تاریخی چیز دگر.

یکی از دلایل فراموشی نام آریانا در قرون وسطی رابطه مستقیم با استعمار عرب دارد. عربها بنام آوردن دین مقدس اسلام تنها منظور شان رایج دادن دین اسلام نبود بلکه بنام دین کشورهای زیادی را همچنان مورد استثمار و استعمار فرهنگی و اقتصادی قرار دادند. چنانچه مصری ها تا امروز زبان و فرهنگ قبل از اسلام خود را کاملاً فراموش نمودند در حالیکه اصلاً عرب نیستند. اما در آریانا، آریاورته یا ایران زمین که دیگر خراسان شده بود زبان مردم را نتوانستند از بین ببرند گرچه در این مورد تلاشهای بسیار زیاد نمودند. مگر مردم را از رسوم پیشین شان دور ساختند چنانچه از جشن های سده، مهرگان، نوروز و غیره چیزی نمانده و به همین صورت نام بزرگ آریانا را برای همیشه نابود کردند تا اینکه در سال ۱۳۲۰ احیا شد و امروز صرف منحیث يك نام باستانی از آن یاد میگردد. متأسفانه دیده میشود که يك تعداد حتی یاد آوری از این نام را غلط و نادرست تلقی میکنند. امید است در طرز دید خود تجدید نظر نمایند.

۱- احمد علی کهزاد "افغانستان در شاهنامه"، ناشر موسسه نشراتی بیهقی، میزان ۱۳۵۵.

۲- احمد علی کهزاد "تاریخ افغانستان" جلد اول و دوم، نشر اول ۱۳۲۵، نشر دوم ۱۳۸۱.